

دینی (برگرفته از مبانی اسلامی) به محققان و همچنین برگزاری جلسات و نشست‌های متعدد بین محققان برای استماع و بررسی گزارش یافته‌های پژوهش "فلسفه تعلیم و تربیت رسمی در اسلام" صورت گرفته است. همچنین نتایج این پژوهش‌ها (یعنی الگوهای نظری تدوین شده) علاوه بر بررسی توسط ناظران، در جلسات کمیته تدوین رهنامه و کارگروه تدوین با توجه به ملاک‌های متعدد از جمله تناسب مفروضات و محتوا با تعالیم اسلامی مورد بررسی و نقد و بازبینی و اصلاح واقع شده است. افزون بر این، در فرآیند تلفیق نتایج پژوهش‌های نظری، از یافته‌های ارزشمند مطالعه "تدوین بنیادهای فلسفی و دینی سند ملی آموزش و پرورش" و سایر منابع معتبر اسلامی نیز استفاده شده است.

### ● استفاده از آخرین یافته‌های معتبر علمی

تمامی تحقیقات انجام شده (در محورهای سوم و چهارم مطالعات نظری)، طبق روش‌شناسی مصوب می‌بایست بر یافته‌های جدید هر یک از حوزه‌ها توجه داشته باشند. همچنین در چهارچوب مطالعات سند ملی آموزش و پرورش، گزارش نتایج مطالعه "بنیان‌های روانشناختی سند ملی آموزش و پرورش و گزارش نتایج مطالعه "بنیان‌های جامعه‌شناختی سند ملی آموزش و پرورش" نیز به اطلاع محققان در حوزه ساحت‌ها و زیرنظام‌ها رسیده است.

### ● ملاحظه واقع‌گرایانه ظرفیت‌های موجود و محدودیت‌های نظام تربیت رسمی و عمومی

مطالعات مربوط به هر زیرنظام با نقد وضع موجود و بررسی رویکردهای جاری در هر حوزه (با استفاده از نتایج مطالعات انجام یافته در کمیته مطالعاتی محیطی و کمیته مولفه‌های اصلی سند ملی آموزش و پرورش و نیز مجموعه مطالعات استانی سند ملی و فراتحلیل آن‌ها) صورت گرفته است. همچنین نقد و بررسی مکرر اجزاء و بخش‌های رهنامه توسط کارشناسان مجرب حوزه ستادی وزارت آموزش و پرورش و مدیران ارشد این نظام، باعث شده تا ترسیم وضع مطلوب نظام تربیت رسمی و عمومی در رهنامه، حتی الامکان با توجه به مسائل و واقعیت‌های موجود و پیش روی نظام آموزش و پرورش کشور ما صورت گیرد لذا می‌توان گفت که تدوین الگوی نظری در این مطالعات در عین معطوف بودن به وضع مطلوب با عنایت به شرایط موجود انجام یافته است.

### ● بهره‌مندی از تجربیات موفق سایر نظام‌های آموزشی در چارچوب نظام معیار اسلامی

بخش مهمی از مطالعات ناظر به ساحت‌ها و زیرنظام‌ها، بررسی تطبیقی تجارب کشورهای و نمونه‌های موفق در عرصه بین‌الملل البته با توجه به سازگاری آن‌ها با نظام معیار اسلامی و تناسب

با شرایط بومی بوده است. لذا تدوین هر الگوی مدون از سویی با توجه به مسائل بومی و از یک سو ناظر به تجربیات موفق، معتبر و منطبق با نظام معیار اسلامی در عرصه بین‌الملل بوده است.

### ● انسجام و سازواری میان اجزاء و مؤلفه‌های رهنامه

نتایج مطالعات در حوزه ساحت‌ها و زیرنظام‌ها از طریق حضور یکی از اعضاء کارگروه تدوین برای تطبیق و تعدیل این نتایج با لوازم فلسفه تربیت در جمهوری اسلامی ایران و فلسفه تربیت رسمی و عمومی در جمهوری اسلامی ایران متناسب‌سازی شده و همچنین سعی بر آن بوده تا یافته‌های هر یک از مطالعات با نتایج دیگر مطالعات هماهنگ شود. یعنی کوشیده‌ایم تا اصول یا رویکردهای ساحت‌ها و زیرنظام‌ها ضمن متناسب‌سازی با مبانی و اصول فلسفه تربیت در جمهوری اسلامی ایران و فلسفه تربیت رسمی و عمومی در جمهوری اسلامی ایران حتی الامکان با اصول و رویکردها در ساحت‌ها و زیرنظام‌های دیگر هماهنگ و متناسب‌سازی شود تا ضمن قرار گرفتن در چهارچوب کلی فلسفه تربیت رسمی و عمومی در جمهوری اسلامی ایران با اصول و رویکردهای دیگر زیرنظام‌ها سازگار باشند یا حداقل بین آن‌ها ناسازگاری مشاهده نشود.

### ۵-۱. جایگاه رهنامه

در مطالعات طرح تدوین سند ملی آموزش و پرورش، براساس مدل مفهومی این مطالعات، نتایج دیگر فعالیت‌های طرح تدوین سند ملی آموزش و پرورش - ناظر به آسیب شناسی و نقد وضع موجود و تدوین فهرست نقاط ضعف و قوت و فرصت‌ها و تهدیدها، تعیین چالش‌ها، ترسیم چشم انداز و پیش بینی راهبردهای اصلی و پشتیبان برای تحقق چشم انداز بیست ساله نظام- بر اساس مفاد رهنامه تعدیل گشته و نهائی می‌گردند.

بنابراین رهنامه، محک‌های مفهومی مورد نیاز برای تدوین سند تحول راهبردی نظام تربیت رسمی و عمومی در جمهوری اسلامی ایران را در موارد ذیل فراهم خواهد آورد:

- تدوین بیانیه مأموریت نظام
- شناسایی نقاط قوت و ضعف و تهدیدها و فرصت‌های نظام (بر اساس نقد درونی و بیرونی آن)
- تعیین چالش‌های اساسی نظام (طی دو دهه آینده)
- تعیین موقعیت راهبردی نظام
- ترسیم چشم‌انداز نظام در افق بیست ساله (۱۴۰۴-۱۳۸۴)
- تنظیم راهبردها و تعیین سیاست‌های کلی توسعه راهبردی نظام
- تدوین اهداف عملیاتی و راهکارهای اجرایی

افزون بر این، رهنامه به عنوان سند بالادستی برای هرگونه برنامه تحول آفرین و دراز مدت و طرح جامع و آینده نگر در نظام فعلی تربیت رسمی و عمومی ایفای نقش می نماید.

بنا بر این رهنامه نظام تربیت رسمی و عمومی در جمهوری اسلامی ایران را باید به مثابه بنیان اصلی هر گونه قانون گذاری، سیاست گذاری و برنامه ریزی جهت ایجاد تحول اساسی و راهبردی در نظام فعلی تربیت رسمی و عمومی به شمار آورد.

## ۲- مشخصات کلی نظام تربیت رسمی و عمومی

### ۲-۱. تعریف و قلمرو

تحقق تربیت رسمی و عمومی با عنایت به ویژگی‌های آن که در فلسفه تربیت رسمی و عمومی در جمهوری اسلامی ایران بیان شد مستلزم آن است که نهادی اجتماعی و فرهنگی، به عنوان مولفه اصلی بخش فرهنگ عمومی جامعه اسلامی - در جهت گسترش و تعالی مداوم ظرفیت‌های وجودی نسل آینده و بسط و اعتلای تجارب مترکم اجتماعی<sup>۱</sup>، با تکیه بر ارکان جریان تربیت و مشارکت فعال همه عوامل سهیم و موثر، متولی و مسئول تحقق شایسته تربیت رسمی و عمومی در همه سطوح کلان و خرد شود. لذا این نهاد به منظور تعالی کیفیت حیات فردی و اجتماعی آحاد جامعه و آماده شدن ایشان جهت تحقق مرتبه لازم و شایسته‌ای از حیات طبیعه، زمینه ساز تکوین و تعالی پیوسته هویت نسل آینده با تاکید بر تکوین و تعالی وجوه مشترک هویت در راستای شکل‌گیری و اعتلای مداوم جامعه صالح براساس نظام معیار اسلامی خواهد بود.

بنابراین، تعریف "نظام تربیت رسمی و عمومی در جمهوری اسلامی ایران" عبارت است از: «نهاد اجتماعی و فرهنگی<sup>۲</sup> سازمان یافته‌ای که، به عنوان مهم‌ترین عامل انتقال، بسط و اعتلاء فرهنگ عمومی در جامعه اسلامی ایران، مسئولیت فراهم آوردن زمینه نظام مند و عادلانه کسب آمادگی متریبان جهت تحقق مرتبه‌ای از حیات طبیعه در همه ابعاد را برعهده دارد که تحصیل آن مرتبه برای عموم افراد جامعه، لازم یا شایسته باشد<sup>۳</sup>. دستیابی به این مرتبه از آمادگی جهت تکوین و تعالی پیوسته هویت متریبان (با تاکید بر هویت مشترک انسانی اسلامی و ایرانی ایشان) در راستای شکل‌گیری و اعتلای مداوم جامعه صالح براساس نظام معیار اسلامی مستلزم آن است که تربیت یافتگان این نظام، شایستگی‌های لازم جهت درک و اصلاح مداوم موقعیت خود و دیگران را کسب نمایند.»

۱. که در مجموعه باورها، نگرش‌ها و هنجارهای مقبول افراد جامعه، انواع دانش، هنر و فناوری محصول خرد جمعی و ارزش‌های نهادینه حاکم بر روابط فردی، مدنی و اجتماعی تجلی می‌یابند

۲. نکته مهم و شایان تذکر این است که کلیت نظام تربیت رسمی و عمومی را، با توجه به لزوم نقش فعال همه ارکان اجتماع از جمله دولت اسلامی در آن، نهادی اجتماعی و فرهنگی - نه به منزله نهادی صرفاً دولتی و نه به مثابه نهادی کاملاً خصوصی و غیر دولتی - در نظر گرفته‌ایم هرچند بخش‌های سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی و نظارت از این نظام (نظیر وزارت تربیت رسمی و عمومی) عمدتاً وابسته به دولت و تحت نظر نظام سیاسی و مولفه‌هایی از آن (نظیر شرکت‌ها و موسسات پشتیبان یا برخی مدارس) خصوصی و برخی نیز (نظیر شوراهای و انجمن‌ها) در زمره نهادهای مدنی (غیر دولتی) می‌باشند.

۳ - تعیین این مرتبه در طی بازه‌های زمانی توسط شورای عالی تربیت رسمی و عمومی مشخص می‌شود. (رک به تعریف و وظایف این شورا)



این نهاد اجتماعی و فرهنگی، با محوریت دولت اسلامی (به لحاظ نقش حاکمیتی آن در هدایت و پشتیبانی از جنبه بارز اجتماعی این نهاد) و با مشارکت فعال خانواده‌ها، رسانه، نهادها و سازمان‌های غیر دولتی، متولی تحقق شایسته‌ی «جریان تربیت رسمی و عمومی» در همه سطوح سیاست‌گذاری؛ برنامه‌ریزی؛ پشتیبانی؛ هماهنگی و ساماندهی؛ اجرا و نظارت، ارزشیابی و اصلاح می‌باشد.

با توجه مبانی حقوقی و روان‌شناختی مذکور در فلسفه تربیت رسمی و عمومی قلمرو فعالیت نظام تربیت رسمی و عمومی (جامعه هدف) همه افراد<sup>۱</sup> تابع نظام جمهوری اسلامی ایران می‌باشند که بنا بر قانون (به لحاظ دامنه سنی) مشمول ورود به نظام تربیت رسمی و عمومی هستند.

## ۲-۲. رسالت

بر بنیاد "فلسفه تربیت در جمهوری اسلامی ایران" و در راستای تحقق غایت و هدف کلی تربیت عمومی؛ رسالت<sup>۲</sup> "نظام تربیت رسمی و عمومی در جمهوری اسلامی ایران" عبارت است از: «فراهم آوردن زمینه<sup>۳</sup> نظام مند و عادلانه کسب شایستگی‌های فردی، خانوادگی و جمعی لازم برای عموم افراد<sup>۴</sup> جامعه<sup>۵</sup> به منظور دستیابی به مرتبه قابل قبولی از آمادگی جهت تحقق حیات طیبه در همه ابعاد».

بدیهی است نظام تربیت رسمی و عمومی، هم باید از امکانات و اختیارات لازم برای انجام این رسالت مهم برخوردار باشد و هم نسبت به چگونگی ایفای آن در برابر جامعه، پاسخگو باشد. این نظام با ایفای چنین رسالتی، افزون بر تمهید شرایط لازم جهت تحقق غایت و هدف کلی تربیت

۱. شایان ذکر است این دامنه سنی بر حسب نیازهای ویژه و استعدادهای خاص متریبان و ضرورت بسط فرصت‌های یادگیری تا تحقق حد نصاب قابل قبولی از شایستگی‌های لازم، قابل انعطاف می‌باشد.

۲- رسالت (یا ماموریت) عبارت است از: "گزاره معطوف به بیان مسئولیت اصلی و مورد انتظار از هر یک از نهادهای سهیم در جریان تربیت"

۳- این زمینه‌سازی نظام مند هرچند عموماً با نوعی الزام و اجبار برنامه‌ای (خصوصاً در در مراحل آغازین تربیت) همراه است ولی باید به شکلی طراحی و انجام شود که متریبان با آگاهی و اختیار اهداف نظام تربیتی را در خود محقق سازند

۴- شمول عموم افراد جامعه در تربیت رسمی و عمومی، شمول در زمانی است و محدوده سنی مشمولان این نظام حسب قانون و شرایط اجتماعی در اسناد بالا دستی تعیین می‌شود

۵. طبق قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران صرف نظر از ویژگی‌های قومی، دینی و مذهبی از حق برابر بر تربیت برخوردارند، لذا تمامی افراد تابع نظام جمهوری اسلامی ایران که بر اساس قانون دارای حقوق و تکالیف تربیتی مشخص هستند باید از طریق نظام تربیت رسمی و عمومی، شایستگی‌های لازم را برای حضور شایسته در حیات فردی و جمعی کسب کنند. بنا بر قوانین فعلی تمامی افراد کودک و نوجوان (۶-۱۸ ساله) شهروند جمهوری اسلامی ایران باید از تربیت رسمی و عمومی بهره مند شوند (یعنی افراد لازم‌التعلیم محسوب می‌شوند) و در صورت محرومیت از این نوع تربیت، باید حتی در سنین بزرگسالی از نوعی تربیت عمومی جبرانی مناسب (آموزش بزرگسالان) بهره مند شوند.

رسمی و عمومی (نسبت به آحاد متربیان)، در قبال جامعه نیز به مثابه نهادی اجتماعی و فرهنگی، کارکرد‌های مشخصی خواهد داشت که می‌توان و باید با توجه به این کارکردها، عملکرد واقعی این نظام و عوامل سهیم و موثر در آن را مورد ارزیابی قرارداد.

### ۳-۲. اهداف

در راستای تحقق غایت و هدف کلی تربیت رسمی و عمومی در جمهوری اسلامی ایران (که همان دستیابی به مرتبه‌ای از آمادگی برای تحقق حیات طیبه در همه ابعاد است)، مجموعه‌ای از شایستگی‌های اساسی به عنوان اهداف نظام تربیت رسمی و عمومی تعریف می‌شوند که شامل دو دسته اهداف مشترک و اهداف ویژه می‌باشد.

با توجه به هدف کلی جریان تربیت در جامعه‌ی اسلامی که «تکوین و تعالی پیوسته‌ی هویت متربیان به گونه‌ای است که بتوانند موقعیت خود و دیگران (نسبت به خود، خدا، دیگر انسان‌ها و طبیعت) را به درستی درک و آن را به‌طور مستمر با عمل صالح فردی و جمعی متناسب با نظام معیار اسلامی اصلاح نمایند.»

اهداف نظام تربیت رسمی و عمومی به این شرح است:

#### اهداف مشترک

انتظار می‌رود تربیت یافتگان نظام تربیت رسمی و عمومی برای ورود مطلوب به زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی دارای شایستگی‌های زیرباشند:

- دیندار<sup>۲</sup> (مومن به باورهای اسلام ناب، علاقه مند به ارزش‌های اصیل و عامل به دستورات و احکام اسلامی)؛
- مودب و متخلق به آداب و اخلاق انسانی و اسلامی؛
- حقیقت‌جو، خردورز و پرسشگر؛
- انتخاب‌گر و آزاد منش؛
- حق‌محور و مسئولیت‌پذیر نسبت به خدا، خود، جامعه و طبیعت؛
- عدالت‌ورز، ظلم‌ستیز، مهربان و صلح‌جو؛
- سالم و با نشاط؛
- امیدوار نسبت به آینده و منتظر برپایی عدل جهانی (جامعه مهدوی)؛

۱. کارکرد عبارت است از اثر و نتیجه مطلوب از فعالیت هر یک از عوامل و نهادهای تربیتی که جهت تحقق رسالت آن‌ها مورد

انتظار و برای تحقق غایت و اهداف تربیت ضروری باشد

۲ - البته دینداری نسبت به فرزندان اقلیت‌های دینی و مذهبی رسمی مصرح در قانون اساسی با توجه به مفاد اعتقادات و احکام خود ایشان تعریف می‌شود

- قانون گرا، منضبط و نظم پذیر؛
- خودباور، دارای عزت نفس، مصمم و با اراده؛
- پاکدامن، باحیا، امین، بصیر و حق شناس؛
- وطن دوست و استقلال طلب؛
- جهادگر، شجاع و ایثارگر؛
- مقتصد، خلاق و کار آفرین؛
- جمع گرا و جهانی اندیش؛
- دارای ذائقه هنری و زیبایی شناختی.

البته مرتبه قابل قبول و حد نصاب هر یک از شایستگی های پایه یادشده، توسط بالاترین مرجع سیاست گذار در نظام یعنی شورای عالی تربیت رسمی و عمومی در بازه های زمانی ده یا بیست ساله با توجه به ملاک های یادشده در «فلسفه تربیت رسمی و عمومی در جمهوری اسلامی ایران» تعیین خواهد شد.

## اهداف ویژه

باتوجه به لزوم ملاحظه تفاوت های متریبان، اهداف ویژه نظام تربیت رسمی و عمومی، در سطوح ملی، منطقه ای و مدرسه ای و برحسب نیازها و ویژگی های فردی و اجتماعی وملاحظات جنسی، جنسیتی و سطح رشد متریبان توسط مراجع ذی صلاح (البته در چهار چوب اهداف مشترک تربیت رسمی و عمومی) تعیین می شوند.

## ۴-۲. کارکردها<sup>۱</sup>

باتحلیل غایت، هدف کلی و اهداف تربیت رسمی و عمومی و با توجه به رسالت نظام تربیت رسمی و عمومی در جمهوری اسلامی ایران، می توان موارد ذیل را به عنوان مهم ترین کارکرد های این نظام در نظر گرفت:

## کارکردهای اختصاصی<sup>۲</sup>

- زمینه سازی برای شناخت ظرفیت های وجودی متریبان و کمک به تکوین و تعالی پیوسته هویت آن - با تاکید بر ابعاد مشترک انسانی، اسلامی و ایرانی - بر اساس نظام معیار اسلامی

۱. تربیت رسمی و عمومی از منظر کارکردها یا نتایج پیامدها مورد بررسی های زیادی قرار گرفته است در اینجا مقصود از کارکردها، آثار قصد شده ومطلوب نظام تربیت رسمی و عمومی است.

۲. منظور از کارکرد اختصاصی، پیامد و اثر مطلوبی است که عمدتاً از فعالیت نظام تربیت رسمی و عمومی بدست آید.

- بستر سازی برای کسب شایستگی‌های اساسی و پایه در متربیان برای دستیابی به مراتبی از حیات طیبه و پاسخ گویی به نیازهای حال و آینده خود و جامعه
- فراهم آوردن زمینه‌های لازم برای ورود تربیت یافتگان به انواع تربیت تخصصی (آموزش عالی و تربیت حرفه ای)
- اشاعه و ترویج عادلانه دانش پایه و کاربردی و فنآوری‌های مورد نیاز جامعه و زمینه‌سازی برای اعتلای آن‌ها

### کارکردهای مشترک<sup>۱</sup>

نظام تربیت رسمی و عمومی همراه با سایر عوامل سهیم در تربیت عمومی دارای کارکردهای مشترکی نیز می‌باشد که اهم آن‌ها عبارتند از:

- تقویت هویت انسانی، اسلامی-ایرانی متربیان و ارتقاء سطح فرهنگ عمومی (باورها و ارزش‌های مشترک انسانی، اسلامی، ملی) افراد جامعه؛
- حفظ، ارزیابی و تعالی میراث فرهنگی (اسلامی و ایرانی) و انتقال آن به نسل جوان
- گسترش عدالت اجتماعی و تحرک اجتماعی طبقات محروم بر اساس کسب شایستگی‌ها؛
- گسترش اعتماد عمومی و امنیت اجتماعی (و دیگر مصادیق سرمایه اجتماعی)؛
- ایجاد انسجام اجتماعی و تحکیم وحدت ملی؛
- بسط مشارکت سازنده و نقش آفرینی عموم آحاد مردم در تحولات اجتماعی و سیاسی مورد انتظار در نظام اجتماعی-سیاسی مبتنی بر مردم سالاری دینی؛
- تنظیم و گسترش روابط فردی، خانوادگی و اجتماعی بر مبنای نظام معیار اسلامی؛
- گسترش روحیه استقلال طلبی، آزادی خواهی و ظلم ستیزی بین آحاد جامعه
- ارتباط برادرانه با جوامع اسلامی در جهت شکل‌گیری امت واحده اسلامی و برپایی جامعه عدل مهدوی (عج)
- بسط روابط انسانی و مسالمت آمیز و حق محورانه و مبتنی بر عدالت با مردم دیگر کشورهای جهان.

### ۵-۲. رهیافت<sup>۲</sup>

با عنایت به مبانی دین شناختی مندرج در فلسفه تربیت در جمهوری اسلامی ایران از آنجا که

۱. مقصود از کارکردهای مشترک آثار مطلوبی است که محصول فعالیت همه عوامل سهیم در جریان تربیت عمومی باشند و توجه به آن‌ها، زمینه مشارکت و همسوئی و تقسیم کار ملی بین این عوامل را فراهم می‌آورد

۲. منظور از رهیافت، جهت‌گیری کلان حاکم بر کلیت نظام تربیت رسمی و عمومی است که رویکرد اصلی کل نظام و زیرنظام‌های اصلی در مواجهه با مسائل و موضوعات مهم، از این رهیافت الهام می‌گیرند.





باید به دین به مثابه آئین زندگی و جاری و ساری در متن زندگی فردی و خانوادگی و اجتماعی، توجه داشت، نظام تربیت رسمی و عمومی و همه مولفه‌های آن باید بر اساس آموزه‌های اسلامی که از منابع معرفتی معتبر اسلام (قرآن، سنت پیامبر اکرم (ص) و معصومین (ع) و عقل) یا در چهارچوب آن‌ها سامان یابند که براساس احکام اولی، ثانوی و ولایی مربوط به جریان تربیت حسب فرایند اجتهاد و با استفاده از یافته‌های علمی و کارشناسی سازگار با این آموزه‌های اسلامی برگرفته شده اند..

**لذا، رهیافت حاکم بر نظام تربیت رسمی و عمومی در جمهوری اسلامی ایران، دین محوری است.**

بنابراین با آنکه در شناخت وجهت دهی جریان تربیت در نظام تربیت رسمی و عمومی باید از یافته‌ها و نتایج انواع دانش و خرد متراکم بشری استفاده شود، لیکن کلیت این نظام باید بر اساس مبانی و ارزشهای دینی سازمان یافته و با نظام معیار اسلامی سازگار و هماهنگ باشد.

## ۶-۲. رویکرد اساسی

رویکرد اساسی نظام تربیت رسمی و عمومی سازگار با رهیافت دین محوری به این شرح است:

### موقعیت شناسی و موقعیت آفرینی براساس نظام معیار اسلامی؛

با توجه به نقش مهمی که درک و اصلاح موقعیت در تکوین و تعالی هویت متریبان<sup>۱</sup> خصوصاً در دوره تربیت رسمی و عمومی دارد، باید نظام تربیت رسمی و عمومی را به مثابه نظامی دانست که با داشتن خصوصیات - نظیر پویایی، آینده نگری و تحول آفرینی، توجه به اقتضات بومی و ملی و بهره مندی از کارگزارانی فکور و متعهد به نظام معیار اسلامی - زمینه ساز درک شایسته مربیان و متریبان از موقعیت خویش و دیگران و عمل برای اصلاح مداوم آن براساس انتخاب و التزام اختیاری و آگاهانه نظام معیار اسلامی می‌شود.

تحقق این رویکرد مستلزم تغییرات هماهنگ و منظمی در تمامی ابعاد و سطوح تصمیم‌گیری است.

۱ - گروه‌هایی از متریبان مخاطب نظام تربیت رسمی و عمومی نیازهای تربیتی خاصی دارند (افراد دارای نیازهای یادگیری ویژه؛ دارای استعدادها ویژه؛ ساکن مناطق محروم و کم برخوردار (روستایی، عشایر و حاشیه نشین) فاقد سرپرست یا دارای سرپرست نا صالح) بر اساس رویکرد بسط عدالت تربیتی سازو کارهای خاصی درون جریان اصلی تربیت در نظام تربیت رسمی و عمومی طراحی و اجرا می‌شود. اگرچه، رویکرد اساسی نظام تربیت رسمی و عمومی در راستای تربیت گروه‌های با نیازهای خاص این است که علی‌الاصول تربیت مورد نیاز و ویژه این گروه‌ها در شرایط معمول و در کنار گروه‌های عادی متریبان انجام گیرد اما در صورت ضرورت (عدم امکان حضور در میان دیگران یا رعایت مصلحت‌های تربیتی) جداسازی و تفکیک این گروه از متریبان می‌تواند با نظر والدین و بررسی کارشناسی صورت پذیرد..

## ۷-۲. روابط

از آنجا که نظام‌های اجتماعی در خلاء عمل نمی‌نمایند و با سایر نهادها و نظام‌های اجتماعی روابط و کنش متقابل دارند، عملکرد درست یک نظام به برقراری روابط صحیح و اصولی با دیگر نهادها و نظام‌های اجتماعی نیز وابسته است. بر این اساس نظام تربیت رسمی و عمومی برای تحقق رسالت خود نیازمند روابط صحیح با ارکان تربیت و دیگر عوامل موثر و سهیم در جریان تربیت می‌باشد چرا که برای تحقق رسالت و اهداف نظام تربیت رسمی و عمومی، همگان به نوعی مسئولیت دارند. به سخن دیگر نظام تربیت رسمی و عمومی برای تحقق رسالت و اهداف خود باید از ظرفیتهای جامعه حداکثر استفاده را بنماید.

به بیان دیگر تمام نهادها و دستگاه‌های اجتماعی مسئولیت دارند تا زمینه هدایت آحاد جامعه را برای دستیابی به آمادگی جهت تحقق حیات طیبه در راستای وصول به مقام قرب الهی و جایگاه رفیع خلیفه الهی فراهم آورند که تجلی این رسالت خطیر کمک به نهادهای تربیتی برای زمینه سازی تربیت همگان (به ویژه نسل آینده) در چارچوب نظام معیار اسلامی می‌باشد.

### ۱-۷-۲. روابط با ارکان

نظام تربیت رسمی و عمومی برای تحقق رسالت و کارکردهای خود از مشارکت همه عوامل سهیم و موثر در جریان تربیت بهره مند می‌شود، اما در این میان به طور کلی بر چهار رکن<sup>۱</sup> مهم و اساسی اتکا دارد که عبارتند از: دولت اسلامی (حاکمیت)<sup>۲</sup>، خانواده، رسانه و نهادها، سازمان‌های غیر دولتی؛ که این چهار رکن نقش تکمیل کننده و متعادل کننده یکدیگر را دارند<sup>۳</sup>:

#### دولت اسلامی (حاکمیت)

● در نظام تربیت رسمی و عمومی مسئولیت اصلی سیاست‌گذاری، نظارت و پشتیبانی از امر تربیت رسمی و عمومی بر عهده دولت اسلامی (حاکمیت) است. بنابراین با توجه به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران همه عناصر دولت اسلامی (حاکمیت) - از رهبری و مقام ولایت فقیه و نهادهای سیاست‌گذار، نظارتی، قضایی، و تبلیغی تحت نظر ایشان (نظیر مجمع تشخیص مصلحت، شورای عالی انقلاب فرهنگی، صدا و سیما، قوه قضائیه

۱.. منظور از رکن در نظام تربیت رسمی و عمومی، عامل اصلی (سهیم) در تحقق شایسته جریان تربیت رسمی و عمومی است.

۲. منظور از حاکمیت در اینجا همه نهادها و سازمان‌های مربوط به نظام سیاسی حاکم (Government) است نه خصوص قوه مجریه یا دولت در اصطلاح رایج (=State)

۳ - چگونگی ارتباط ارکان تربیت و تعامل آن‌ها در وظایف شورای تربیت رسمی و عمومی به عنوان یکی از مولفه‌های این نظام تبیین شده است.

تا قوه مقننه (مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان) وقوه مجریه (همه وزارتخانه‌ها و سازمان‌های وابسته) - باید به نحوی در ایفای این مسئولیت سترگ متناسب با اختیارات قانونی و امکانات خود مشارکت داشته باشند که با توجه به شأن هدایتی حاکمیت اسلامی (بر اساس فلسفه سیاسی تشکیل حکومت اسلامی) این امر، مهم‌ترین مسئولیت فرهنگی آن‌ها به شمار می‌آید.

## خانواده

● خانواده در نظام تربیت رسمی و عمومی (در تداوم نقش آفرینی تربیتی خود در مرحله پیش از ورود فرزندان به نظام تربیت رسمی و عمومی) نقش اصلی را برعهده دارد و باید با کسب شایستگی‌های لازم، در امر تربیت فرزندان خود مشارکت فعال داشته باشد و باید دانش و مهارت لازم نسبت به اهداف، برنامه‌ها، اصول و روش‌های حاکم در مدرسه، توانائی تعامل اثربخش و تعالی جویانه با نظام تربیت رسمی و عمومی را کسب نماید. از سوی دیگر، نظام تربیت رسمی و عمومی نیز باید زمینه حضور فعال خانواده‌ها و مشارکت همه جانبه آنان را در تمام سطوح تصمیم‌گیری‌ها و فعالیت‌ها (البته در چهارچوب مبانی، اصول و سیاست‌های کلان نظام) فراهم کند تا از این طریق بسیاری از کاستی‌ها را جبران کند، که ناشی از دوگانگی فرهنگ خانه و مدرسه و ناهماهنگی اهداف و تفاوت اولویت‌ها و روش‌های تربیتی خانواده و مدرسه و سیاست‌ها و برنامه‌های نظام تربیت رسمی و عمومی می‌باشد.

در راستای تحقق حق و تکلیف والدین نسبت به تربیت فرزندان، خانواده در نظام تربیت رسمی و عمومی نقش‌های زیر را برعهده دارد:

- انتخاب آگاهانه نوع مدرسه برای فرزندان خود
- کسب آگاهی فزونتر نسبت به مسئولیت تربیتی خویش و عدم واگذاری تمامیت این مسئولیت به دیگران
- نظارت بر کارکرد مدرسه و ارائه بازخوردهای لازم و بموقع به مدیران و مربیان
- مشارکت در فعالیت‌های مدرسه‌ای مانند مشارکت در طراحی و اجرای برنامه‌های درسی و تربیتی غیر الزامی در ساعات درسی و غیر آن
- حضور فعال و اثربخش در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های نظام تربیت رسمی و عمومی مانند حضور نمایندگان نهاد خانواده در شوراهای در سطوح مختلف

- انتخاب سطوح بالاتری از تربیت برای فرزندان خود در ساحت‌های مختلف از طریق نظام‌های تربیتی جانبی و مکمل
- مشاوره و راهنمایی فرزندان برای همراهی و تحقق اهداف و برنامه‌های مدرسه
- ایجاد تشکیلات مردم نهاد برای توسعه کمی و کیفی نظام تربیت رسمی و عمومی

### نهادهای و سازمان‌های غیر دولتی

- با آنکه نهادهای و سازمان‌های غیر دولتی طیف گسترده‌ای از موسسات و نهادهای عمومی و خصوصی مانند رسانه‌های جمعی مساجد و حوزه‌های علمیه، شوراهای، شهرداری‌ها، دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی، انجمن‌های علمی و حرفه‌ای، نهاد وقف و سایر سازمان‌های مردم نهاد را در برمی‌گیرند که همه آنها را می‌توان به عنوان عوامل سهیم و یا موثر، در پشتیبانی از نظام تربیت رسمی و عمومی دخیل دانست، چنانچه بنگاه‌ها و موسسات خصوصی نیز می‌توانند و باید - با رعایت ضوابط - در جریان تربیت رسمی و عمومی مداخله موثر داشته باشند؛ اما منظور از نهادهای و سازمان‌های غیر دولتی به عنوان رکن نظام تربیت رسمی و عمومی به ویژه آن دسته از این نهادهای و سازمان‌های غیر دولتی است که به صورت سازمان یافته یا داوطلبانه در جریان تربیت نقش آفرین بوده و بطور مشخص عهده دار مسئولیت خاصی در زمینه کمک به نظام تربیت رسمی و عمومی می‌شوند (نظیر انجمن‌های اولیاء و مربیان، انجمن‌های علمی مربوط به متخصصان تربیتی، تشکل‌های حرفه‌ای مربیان، جامعه خیرین مدرسه ساز )

### رسانه

همانگونه که در فلسفه تربیت و فلسفه تربیت رسمی ذکر شد با توجه به نقش رسانه و تحولات فناوری اطلاعات و ارتباطات و گستره نفوذ و تاثیرگذاری آن در فرآیند تربیت، می‌باید از رسانه نیز به عنوان یکی از عوامل بسیار سهیم و موثر در فرآیند تربیت و حتی به مثابه رکن آن نام برده شود. زیرا در عصر حاضر با تأسیس شاهراه‌ها و شبکه‌های اطلاعاتی و ایجاد ابر متن‌ها و فرا زبان‌ها، زندگی انسان متحول شده و معنای تازه‌ای از زندگی پدید آمده است. البته از مجموعه رویکردهایی که در زمینه ورود فناوری اطلاعات و ارتباطات به عرصه تربیت وجود دارد، اتخاذ رویکرد اصلاح گرانه و کل گرانه در مواجهه با تغییرات حاصل از فناوری کارساز تر است. یعنی در عین هشیاری و توجه به تبعات منفی ناشی از فناوری، باید اثرات مثبت آن را مورد توجه قرار داد و تعاملی سازنده بین فرهنگ و فناوری را پذیرفت.



## ۲-۷-۲. روابط با دیگر عوامل سهیم

برای ایجاد هماهنگی و هم سوئی میان عوامل متعدد سهیم در تربیت رسمی و عمومی، عموم افراد جامعه باید هم غایت، هدف کلی و اهداف مشترکی برای انواع تربیت عمومی - اعم از رسمی و غیر رسمی - تعیین شود و هم با تقسیم کار و وظایف میان عوامل سهیم، زمینه هم افزایی و تعامل سازنده بین آن‌ها فراهم شود. در این میان باید بطور ویژه در سطح ملی نوعی تعامل، هماهنگی و تقسیم وظایف با نهادهای ذیل به عمل آید:

- خانواده
- نظام آموزش عالی
- رسانه ملی و سایر شبکه‌های ارتباطی ملی
- حوزه‌های علمیه
- نهادهای تبلیغات دینی (مساجد و مؤسسات مذهبی، سازمان تبلیغات اسلامی و...)
- نهادهای تربیت غیر رسمی (مطبوعات، هنرهای نمایشی و مراکز فرهنگی)
- نظام آموزش فنی و حرفه‌ای (وزارت کار و امور اجتماعی، و..)

## ۳-۷-۲. روابط با سایر عوامل موثر

موفقیت و ناکامی نظام تربیت رسمی و عمومی متأثر از عملکرد دیگر عوامل اجتماعی می‌باشد که در این زمینه حاکمیت اسلامی (به مثابه دولت زمینه ساز هدایت) نه تنها باید با اتخاذ تدابیر لازم این عوامل و نهادها را در فراهم آوردن دیگر زمینه‌های تحقق مراتب حیات طیبه در همه ابعاد جهت دهی نماید، بلکه لازم است با تنظیم سیاست‌های مناسب عملکرد آن‌ها را حتی الامکان دارای صبغه و عملکرد تربیتی نماید و (در صورت عدم امکان) راهبردهای مناسبی برای جهت دادن به پیامدهای عملکرد آن‌ها اتخاذ نماید.

- محیط فرهنگی (نهاد دین و حوزه‌های علمیه، نهاد علم و پژوهش، نهاد ارتباطات و نهاد هنر) محیط فرهنگی بالاترین سطح تعامل را با نظام تربیت رسمی و عمومی دارد و به عنوان اصلی‌ترین عامل اثر گذار در امر تربیت باید همسویی و هماهنگی لازم را با سیاست‌ها و برنامه‌های نظام تربیت رسمی و عمومی داشته باشد و از این طریق بستر مناسبی را برای تحقق اهداف تربیت (چه قبل از ورود متربی به نظام تربیت رسمی و عمومی و چه بعد از آن) فراهم کند. نظارت بر عملکرد دستگاه‌های فرهنگی و هماهنگی بین سیاست‌ها و برنامه‌های آن‌ها بر عهده شورای عالی تربیت است.

### ● محیط اقتصادی (بخش تولید، بخش خدمات و بخش خصوصی...)

نهادهای اقتصادی (دولتی و غیر دولتی) به عنوان عامل پشتیبان سهم تعیین کننده‌ای در تحقق اهداف تربیت دارند و باید در تأمین و تخصیص منابع اولویت‌های نظام تربیت رسمی و عمومی را مد نظر قرار دهند. اولویت تخصیص منابع در تمامی ابعاد جهت تحقق عدالت تربیتی خصوصاً در مناطق / اقشار محروم یا متریبانی با نیازهای ویژه باید یکی از جهت گیری‌های کلان برنامه‌های اقتصادی باشد.

### ● محیط رسانه‌ای و فن آوری (رسانه ملی، مطبوعات، اینترنت، ماهواره، رایانه و انواع نرم افزار)

ظرفیت محیط رسانه‌ای و فناوری باید در راستای اهداف، سیاست‌ها و برنامه‌های نظام تربیت رسمی و عمومی مورد استفاده قرار گیرد، به گونه‌ای که زمینه رشد توانمندیهای متریبان در شناخت و بهره‌گیری و توسعه نتایج تجارب متراکم بشری در عرصه علم و فن آوری را امکان پذیر نماید. این جهت گیری نه تنها متریبان را قادر می‌نماید تا با عنایت به تغییرات و تحولات آینده با کسب دانش لازم و بینش ارزشمندی نسبت به جهان هستی و پدیده‌هایش احترام قائل شوند بلکه، روش مسئولانه‌ای در مواجهه با آن اتخاذ نمایند. بدیهی است تأثیرات نامطلوب محیط رسانه‌ای و فناوری با توجه به رویکرد مصون‌سازی بجای محدودسازی در نظام تربیت رسمی و عمومی ظرفیت‌های لازم را در متریبان برای برخورد سازنده فراهم می‌کند.

### ● جامعه محلی (مساجد، شوراهای شهر، شوراهای محلی، تشکلهای سازمان‌های اجتماعی...)

مدرسه به عنوان کانون تربیت برای تدارک فرصت‌های تربیتی غنی و متنوع نیازمند مشارکت جامعه محلی و ایفای نقش مسئولانه آن در بسترسازی و پشتیبانی از جریان تربیت در سطح مدرسه است. شوراهای شهر، شوراهای محلی، مساجد و سایر تشکلهای محلی باید بخشی از منابع و فعالیت‌ها خود را در راستای تحقق انتظارات مدارس سازماندهی نمایند و پاسخگویی به نیاز مدارس را در اولویت برنامه‌های خود قرار دهند. متقابلاً نظام تربیت رسمی و عمومی و مدارس نیز باید تدابیری اتخاذ نمایند تا بتوانند خدمات فرهنگی، علمی، تربیتی و اجتماعی به جامعه محلی ارائه دهند.

● محیط سیاسی و اجتماعی (دولت، احزاب، نهادهای مدنی غیر دولتی و عمومی و سازمان‌های مردم‌نهاد - نظیر هلال احمر، بسیج، انجمن‌های اسلامی، انجمن‌های علمی و موسسات فرهنگی و سازمان‌های خیریه -..)

لازمه مشارکت فعالانه مدرسه به عنوان کانون تربیت، مشارکت کلیه عوامل و تصمیم‌گیری جمعی است، وجود یک نظام نیمه متمرکز مدیریتی برای تحقق اهداف تربیت رسمی و عمومی، شرط لازم است (گرچه شرط کافی نیست). توجه به ویژگیهای قومی و فرهنگی و جغرافیایی در مناطق مختلف برای پاسخگویی به نیاز متربیبان نیازمند کاهش تمرکز در تصمیمات و افزایش مشارکت عوامل سهیم و مؤثر در سیاست‌ها و برنامه‌های تربیتی است. دولت و سایر نهادهای سیاسی و اجتماعی باید ضمن رعایت جنبه‌های حاکمیتی تربیت رسمی و عمومی، بستر این گونه مشارکت را در همه سطوح تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری به تناسب فراهم کنند.

● محیط قضایی و امنیتی

از آنجا که زمینه‌سازی برای دستیابی متربیبان به اهداف تربیت در محیط امن و دور از عوامل هستی‌زدا رخ می‌دهد لذا محیط قضایی و امنیتی با وضع قوانین و تأسیس واحدهای نظارت و کنترل از ”حق و مسئولیت تربیت“ دیده بانی نموده و زمینه شکل‌گیری رفتارهای آسیب‌زای تربیتی را در جامعه در تمامی مراحل تربیت کاهش دهد. با توجه به نقش بی‌بدیل و تعیین‌کننده نظام تربیت رسمی و عمومی و مربیبان آن در پیشگیری از وقوع جرایم و آسیب‌های اجتماعی و نیز تأمین و پایداری‌سازی امنیت ملی و مقابله با خطرآفرینی فرهنگی (نظیر جنگ نرم و تهاجم فرهنگی)، نهادهای مذکور باید مساعدت و مشارکت لازم برای ارتقای کیفیت برنامه‌ها و فعالیت‌های تربیتی مدارس را معمول دارند.

● محیط بین‌المللی (سیاست و اقتصاد جهانی، قوانین و معاهدات بین‌المللی و...)

نظام تربیت رسمی و عمومی باید در مواجهه با تحولات و چالش‌های محیط بین‌المللی نسبت به شناخت راهبردها و سیاست‌های بین‌المللی اقدام نموده و بستر تغییرات متأثر از این امور را در عرصه‌های تأثیرگذار بر جریان تربیت شناسایی نموده و با تحلیل محیط پیرامونی و فهم منطق حاکم بر موقعیت‌های بین‌المللی به بازتعریف راهبردهایش اقدام نماید. این امر باید در راستای اهداف تربیت و رعایت نظام معیار اسلامی صورت گیرد. البته در عین حال، دستیابی به تجربیات علمی جدید و تبیین نقش نظام تربیت رسمی و عمومی در سطح بین‌المللی و حضور فعال در محافل علمی و پژوهشی بین‌المللی و ارائه نظریات و تجربیات اسلامی و بومی در این عرصه‌ها باید در اولویت قرار گیرد.

## ۸-۲. ساختار نظام تربیت رسمی و عمومی

بحث درباره ساختار نظام تربیت رسمی و عمومی مشتمل است بر توصیف و تبیین مراحل تربیت (دوره‌های تربیت) و اصول حاکم بر آن‌ها، تعریف مولفه‌ها و زیر نظام‌های اصلی و بیان نقش و وظایف آن‌ها که در ذیل به آن‌ها می‌پردازیم.

### ۸-۲-۱. دوره‌ها و مراحل تربیت

#### دوره‌های تربیت و اصول حاکم بر آنها

براساس یافته‌های فلسفه تربیت در جمهوری اسلامی ایران، مسئولیت امر تربیت پیش از آغاز تربیت رسمی، بر عهده خانواده است و سایر نهادها باید به خانواده در تدارک زمینه‌های لازم کمک نمایند. اما با توجه به اهمیت مراحل اولیه رشد در حیات آدمی و تأثیرات آن در مراحل بعدی در صورتی که خانواده نتواند شرایط لازم را برای رشد کودک فراهم نماید یا بنا به دلایلی کودک از سرپرستی خانواده محروم باشد، حاکمیت وظیفه حمایت از خانواده و یا ایجاد شرایط لازم برای رشد همه جانبه کودک را بر عهده خواهد داشت.

لذا شروع زمان تربیت رسمی و عمومی مرتبط با سن بوده و همه متریبان یک سن خاص در آغاز هر سال تحصیلی را دربرمی‌گیرد و از متریبان انتظار می‌رود در پایان هر مرحله به سطوح معینی از شایستگی‌ها (توانایی و صفات) دست پیدا کنند. ارزیابی از سطح شایستگی‌ها در درون و پایان هر مرحله با هدف درک و بهبود موقعیت بر اساس انتخاب و التزام نظام معیار اسلامی از سوی متریبی و به منظور رشد همه جانبه و متعادل ظرفیت‌های وجودی متریبان، صورت می‌گیرد.

#### اصول و ویژگی حاکم بر دوره‌ها

با توجه به آنچه گذشت اصول<sup>۱</sup> حاکم بر تمامی دوره‌های تربیت و نیز ویژگی‌های هر یک از دوره‌های تربیت در نظام تربیت رسمی و عمومی عبارتند از:

اصول

- در تعیین زمان شروع و پایان، سطوح و مراحل کلیدی/گذر در هر یک از دوره‌های تربیت باید ویژگی‌های رشدی متریبان<sup>۲</sup> مورد توجه قرار گیرد.

۱. در ارائه این اصول، از اصول عام حاکم بر نظام تربیت رسمی و عمومی استفاده شده است.  
۲ - برای تبیین رشد و مراحل آن نظریه‌های مختلفی از سوی صاحب‌نظران مطرح شده که هیچ کدام به تنهایی قادر به تبیین تمام و کمال رشد و ابعاد آن نبوده است. به نظر بسیاری طبیعت و تربیت برای تأثیرگذاری بر رشد با هم ترکیب می‌شوند و تغییرات رشدی برآمد اکتساب و اضافه شدن ویژگی‌های جدید به ویژگی‌های قبلی و مستلزم میزانی از ثبات و پایداری است. این مراحل در منابع دینی شامل: مرحله اول کودکی (هفت سال اول زندگی) مرحله دوم کودکی (هفت سال دوم زندگی مرحله نوجوانی و بلوغ (هفت سال سوم زندگی) است. مرحله اول کودکی خود به دو مرحله تقسیم می‌شود، که



- در وضعیت فعلی سن ورود به مدرسه ۶ سال تمام می‌باشد که (با عنایت به شواهد تجربی و) در صورت فراهم آمدن شرایط لازم و مناسب می‌توان آن را به ۵ سال تمام تقلیل داد.<sup>۱</sup> متریبان می‌توانند بنا به تشخیص خانواده‌ها در ماه تولد یا هر زمانی که کودک آمادگی ورود به مدرسه را داشته باشد در مرحله مقدماتی نظام تربیت رسمی و عمومی پذیرفته شوند.
- برنامه درسی دوره‌ها تابع نیازها و ویژگی‌های رشدی در هر یک از سطوح و مراحل کلیدی/گذر است و باید در طراحی و تدوین آن به طیف تفاوت‌های رشدی توجه شده و برنامه درسی از انعطاف لازم برای پاسخگویی به نیازهای متریبان برخوردار باشد.
- ارزشیابی از وضعیت تربیتی متریبان در مراحل کلیدی/گذر از هر دوره به دوره بعد بر اساس سطح شایستگی‌های تعیین شده برای هر مرحله بر اساس سن، شرایط بلوغ جسمی، رشد اجتماعی، استانداردهای برنامه درسی و نظر مربیان صورت می‌گیرد. در موارد خاصی که تصمیم‌گیری متوجه متریبان با نیازهای ویژه یا افراد مستعد است، مشارکت اولیاء برای تصمیم‌گیری ضروری است.
- متریبان علی‌الاصول دوره آموزش رسمی و عمومی را در ۱۲ سال طی می‌نمایند. این زمان برای متریبان مستعد یا افرادی که داری نیازهای ویژه<sup>۲</sup> می‌باشند متناسب با سطح توانایی آنان سازماندهی خواهد شد.
- ارزشیابی در مورد میزان کارآیی نظام تربیتی در سطح ملی در مراحل کلیدی/گذر صورت می‌گیرد و اطلاعات لازم را برای قضاوت در اختیار تصمیم‌گیرندگان در سطوح مختلف نظام تربیت رسمی و عمومی قرار می‌دهد.
- مشاوره و هدایت تربیتی، شامل تمامی مراحل تربیت است و معطوف به تمامی فعالیت‌های مرتبط با سه بخش تجویزی(الزامی)، نیمه تجویزی(انتخابی)، و غیر تجویزی(اختیاری) برنامه‌های درسی است.

تربیت در مرحله اول بر عهده خانواده می‌باشد. اما به دلیل این که مطالعات میدانی در خصوص تعیین ویژگی‌های رشدی متریبان ایرانی و سن ورود آنان به مدرسه انجام نشده است، لذا در تعیین ساختار از نتایج مطالعات بین‌المللی که خصوصیات رشدی متریبان را در بین کشورهای مختلف بررسی نموده متناسب با اقتضات فلسفه تربیت رسمی و عمومی و شرایط کشور استفاده شده است.

۱. ضمناً در شرایط اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی خاص که کودک با محرومیت‌هایی روبرو است یا در مواردی که خانواده توان سرپرستی کودک را ندارند ورود کودکان به نظام تربیت رسمی و عمومی از پایان سن ۴ سالگی است. البته این نوع تربیت جنبه غیر رسمی داشته و با هدف کمک به متریبان برای ورود به دوره تربیت رسمی و عمومی همراه با آمادگی‌های لازم صورت می‌گیرد.

۲ - اعم از تجهیزات، منابع آموزشی، مربی و...

- فرایند تربیت در پایان دوره متوسطه باید امکان ورود متریبان به دوره های (متنوع تربیت شغلی را برای اشتغال و نیازهای بازار کار و سایر فعالیت های علمی، اقتصادی، اجتماعی در سطح جامعه را متناسب با توانایی ها، علایق آنان فراهم نماید.
- ارائه خدمات حمایتی و مشاوره های به خانواده ها در تمامی دوره ها<sup>۱</sup> به ویژه برای کودکان در مناطق دوزبانه، خانواده های محروم از اهمیت و اولویت بیشتری برخوردار است.

## ویژگی مراحل تربیت

### مرحله اول تربیت<sup>۲</sup>

- توجه به محوریت نقش خانواده در تدوین و اجرای برنامه های تربیتی
- وجود ارتباط و هماهنگی کامل میان عوامل و نهادهای تربیت رسمی و غیر رسمی<sup>۳</sup>
- انعطاف پذیر بودن برنامه ها و تدارک فرصت های تربیتی برای کسب آداب (رفتارها و مهارت های شایسته اخلاقی و دینی جهت زندگی مطلوب، فردی خانوادگی و اجتماعی،) و کنترل امیال آنی از طریق تنظیم بیرونی.
- رشد جنبه های طبیعی، بینش ها و گرایش های فطری با توجه به جنبه های شهودی و روحیه کاوش گرانه متربی در برنامه های تربیتی .
- توجه به تعامل پیچیده عوامل درونی و بیرونی در فرآیند تربیت و تدارک محیطی غنی و شاداب و متنوع برای بروز تفاوت های فردی در ابعاد مختلف وجودی .
- توجه به آزادی عمل متربی در برنامه ها و فعالیت های یادگیری و ارتباط آن با تجربیات روزمره زندگی و چشیدن لذت دانایی.
- توجه به پرورش حواس، بکارگیری تخیل و آغاز شکل گیری منش کودک.
- ایجاد زمینه های عاطفی برای انس و موانست بامفاهیم قرآنی و ارزشهای اسلامی متناسب با شرایط سنی متریبان.

- 
- ۱ - ارائه این خدمات قبل از ورود متریبان به دوره تربیت رسمی و عمومی به دلیل اهمیت زاید الوصف آن در جریان تربیت و مداخلاتی که در این دوره طلایی برای کمک به متریبان می توان انجام داد حائز اهمیت زیادی است.
  - ۲ - مرحله اول و دوم در محدوده دوره تمهید و معادل دوره کودکی اول و دوم محسوب می شود.
- مرحله اول شامل دوره پیش دبستان/آمادگی و سال های اول و دوم دبستان (در نظام فعلی) است. این مرحله در طرح کلیات تغییر بنیادی نظام (۱۳۴۷) شامل دوره اساس بوده است.
- ۳ - تمامی مراکزی که به نوعی وظیفه ارائه خدمات تربیتی به متریبان را در سطح جامعه قبل از ورود به تربیت رسمی و عمومی بر عهده دارند باید همچنان در جریان تربیت کودکان مشارکت جدی (البته با هماهنگی و وحدت هدف) داشته باشند



## مرحله دوم تربیت<sup>۱</sup>

- وجود هماهنگی و همسویی رابطه میان خانواده، مدرسه و سایر نهادهای سهیم برای تدارک تجربیات غنی و متنوع فردی و گروهی در داخل و خارج از محیط مدرسه.
- تدارک برنامه‌ها و فرصت‌های تربیتی برای فراهم آوردن امکان کسب تجربیات عملی مختلف، به منظور پرورش مهارت‌ها، باورها و گرایش‌هایی که زمینه ساز عمل و تداوم عمل فرد در آینده برای دستیابی به هویت یکپارچه می‌باشند.
- پرورش روحیه کارجمعی و مسئولیت‌پذیری، قدرت تشخیص و بازشناسی ارزش‌ها-خوب و بد و زشت و زیبا- در متربیان.
- توجه به تفاوت متربیان و محدودیت آن‌ها در کسب دانش‌های پایه و ایجاد شرایط مناسب برای یادگیری مفاهیم اساسی و درک روابط علت و معلولی جهت دستیابی به تفکر منطقی و علمی.
- تدارک فرصت‌های تربیتی که امکان بکارگیری و پرورش ظرفیت شناختی را از طریق فعالیت و تلاش متربی فراهم کند.
- زمینه‌سازی برای شناخت علاقه شخصی و پرورش خلاقیت و قوه تخیل متربیان جهت دستیابی به ظرفیت‌های وجودی ایشان (با تکیه بر قوه ابتکار و تلاش شخصی).

## مرحله سوم تربیت<sup>۲</sup>

- وجود هماهنگی و همسویی میان خانواده و سایر نهادهای سهیم در جریان تربیت رسمی و عمومی، برای کمک به فرد در شناخت و انتخاب آگاهانه نظام معیار اسلامی و التزام به آن
- توجه به عنصر اختیار) در تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی (برای انتخاب آگاهانه و آزادانه بر اساس نظام معیار اسلامی - با لحاظ نمودن تفاوت‌های جنسیتی در پذیرش تکلیف شرعی- به گونه‌ای که متربی به تدریج رابطه میان حق و تکلیف، اختیار و وظیفه و مسئولیت‌پذیری برای کسب شایستگی‌ها و رشد و تعالی خویش را درک کند.
- پرورش استعدادها فردی و امکان انتخاب‌های مختلف و بکارگیری آن در موقعیت‌های فردی برای شناسایی هویت ویژه.
- توجه به توانایی و مهارت متربیان در ساختار بندی و سازماندهی دانش برای رمز گشایی و کسب دانش سازمان یافته.

۱- این مرحله شامل سال‌های سوم، چهارم و پنجم نظام فعلی دوره ابتدائی است.

۲- این مرحله حدوداً همزمان با رسیدن متربیان به بلوغ جنسی (دختران در آغاز این مرحله و پسران در اواخر آن) است و معادل سال‌های اول، دوم و سوم راهنمایی فعلی می‌باشد.

- زمینه‌سازی برای شناخت علائق شخصی و پرورش قدرت تخیل و ابتکار متربیان و بهره‌گیری از آن برای حل مسائل واقعی و پیچیده.
- توجه به توانایی متربیان در ارزیابی فرایندهای تفکر، یادگیری و بهره‌گیری از آن در شناخت و اصلاح موقعیت بر اساس نظام معیار اسلامی.

### مرحله چهارم تربیت<sup>۱</sup>

- وجود هماهنگی و همسویی میان برنامه‌ها و فعالیت‌های عوامل سهیم و مؤثر در جریان تربیت<sup>۲</sup> (اعم از تربیت رسمی و غیر رسمی، تخصصی و عمومی) برای مشارکت سازنده متربی در فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی جامعه.
  - ایجاد شرایط لازم برای کسب تجربیاتی که به فرد در تجزیه و تحلیل موقعیت، موضع‌گیری شایسته نسبت به فراموقعیت و انتخاب راه‌های مناسب برای اصلاح مداوم موقعیت به گونه‌ای که به سبک زندگی شخصی مبتنی بر نظام معیاراسلامی دست یابد.
  - تدارک شرایطی که امکان برقراری رابطه ویوستگی عمیق و ژرف میان ابعاد وجودی (جسمانی، عقلانی، عاطفی، اجتماعی و معنوی) شکل‌گیری، یکپارچه‌سازی و تکوین و تعالی هویت ویژه فرد را فراهم کند.
  - ایجاد فرصت‌های تربیتی متنوع برای رویارویی متربیان با مسائل پیچیده در ابعاد مختلف زندگی فردی و اجتماعی و کسب تجربیات واقعی در بکارگیری توانایی‌های ذهنی، قدرت تخیل و ابتکار در یافتن راه‌حلهایی مناسب برای مشارکت سازنده در جامعه صالح.
  - زمینه‌سازی برای انتخاب‌های متنوع بین عناصر سه‌گانه برنامه درسی و گسترده جهت وحدت بخشی میان نقش‌های وجودی و اجتماعی متربیان همسو با نیازهای حال و آینده جامعه.
  - با توجه به اهمیت رکن خانواده در نظام اجتماعی، برنامه‌ها و فرصت‌های تربیتی باید ضمن توجه به تفاوت‌های خُلقی و خُلقی<sup>۳</sup> متربیان به گونه‌ای تدارک دیده شود که مهارت‌های ورود به زندگی مستقل، زندگی خانوادگی، تربیت فرزند، زندگی حرفه‌ای را ایجاد نماید.
- با مشارکت عوامل سهیم و مؤثر در جریان تربیت در پایان دوره تربیت رسمی و عمومی بر حسب علایق و توانایی و تجربیات کسب شده متربیان در طول تربیت رسمی و عمومی دوره یک

۱ - شامل سال‌های ده، یازده، دوازده دوره متوسطه نظام فعلی می‌باشد.

۲ - ویژگی تربیت در این دوره؛ هم‌اندیشی، وزارت، مشارکت و ملازمت است که باید مبنای فعالیت‌های خودجوش و برانگیختگی درونی متربی قرار گیرد.

۳ - مصوبه ۱۳۸۱/۸/۱ - ۳۱۳۴-دش - شورای عالی انقلاب فرهنگی؛ تبیین حکمت الهی درباره زن و مرد در خصوص تفاوت‌های خُلقی و خُلقی آنان به عنوان راز تداوم حیات بشر و زدودن تفکر غلط برتری یکی بر دیگری.



تا دوساله‌ای برای تکمیل فرآیند بکارگیری آموخته‌های کسب شده در فرصت‌های واقعی زندگی سازماندهی خواهد شد. این دوره متناسب با جهت‌گیری اختیاری آنان برای ورود به زندگی خانوادگی، زندگی حرفه‌ای یا ادامه تحصیل و کسب تخصص خواهد بود

## ۲-۸-۲. مولفه‌های اصلی (نقش، جایگاه و روابط)

منظور از مولفه‌های اصلی نظام تربیت رسمی و عمومی اجزایی است که برای کمک به تحقق رسالت و اهداف آن (در سطوح سیاستگذاری؛ برنامه‌ریزی؛ پشتیبانی هماهنگی؛ اجرا و نظارت، ارزشیابی و اصلاح) شکل گرفته‌اند. این اجزاء مجرای عمل ارکان سه‌گانه (حاکمیت، خانواده و نهادهای اجتماعی و مدنی) در چارچوب زیرنظام‌های اصلی این نظام می‌باشند. ارتباط مؤلفه‌های نظام تربیت رسمی و عمومی با زیرنظام‌ها رابطه‌ای چندوجهی و چندگانه است و هر یک از زیرنظام‌ها بر حسب کارکرد و وظایف خود با مؤلفه‌ها ارتباط برقرار می‌نمایند.

فهرست مقدماتی انواع مولفه‌های این نظام و شرح مختصری از نقش و وظایف آن‌ها عبارتند از:

## ● شورای عالی تربیت رسمی و عمومی<sup>۱</sup>

شورای عالی تربیت رسمی و عمومی زیر نظر شورای عالی تربیت شکل می‌گیرد که تحت نظر مقام رهبری (با حضور نماینده مستقیم ایشان) و به ریاست رئیس جمهور و با شرکت نمایندگان ارکان جریان تربیت و جمعی از متخصصان و صاحب‌نظران تربیتی تشکیل می‌شود. شورای عالی تربیت مسئولیت سیاست‌گذاری، هماهنگی و نظارت بر عملکرد همه نهادها و عواملی را بر عهده دارد که در جریان شایسته تربیت سهیم و شریک هستند. همچنین نظارت عالی بر شورای عالی تربیت رسمی و عمومی و وزارت تربیت رسمی و عمومی بر عهده این شورا است.

اما عمده‌ترین وظایف شورای عالی تربیت رسمی و عمومی عبارتند از:

● تعیین معیارها و شاخص‌های مرتبه‌ی لازم و شایسته آمادگی عموم متربیان برای تحقق حیات طیبه و به روز نمودن آن در بازه‌های زمانی درازمدت (تعیین اهداف مشترک تربیت

۱. البته این شورا صورتی توسعه یافته از "شورای عالی آموزش و پرورش" فعلی است که با سابقه فعالیت بیش از صد سال هم اکنون اختصاص به فعالیت‌های نظام فعلی تربیت رسمی و عمومی دارد اما شورای عالی تربیت با ترکیبی گسترده‌تر، شورایی فرابخشی (زیر نظر مقام رهبری و نهادهای سیاست‌گذار و ناظر مربوط به ایشان) بوده و تصمیمات آن برای همه نهادها و عوامل تربیتی (اعم از تربیت عمومی و تخصصی و تربیت رسمی و غیر رسمی) نافذ خواهد بود. براساس این توضیح، شورای عالی تربیت، حلقه اصلی ارتباط و هماهنگی میان انواع نهادها و عوامل تربیت خواهد بود و قلمرو فعالیت آن صرفاً به نظام تربیت رسمی و عمومی محدود نمی‌شود. به نظر می‌رسد در شرایط فعلی کشور ما همین نقش و مسئولیت را شورای عالی انقلاب فرهنگی می‌تواند برعهده بگیرد.

عمده‌ترین وظایف شورای عالی تربیت عبارتند از:

سیاست‌گذاری در زمینه ایجاد فرصت‌های عادلانه تربیتی در ابعاد فردی و اجتماعی برای آحاد افراد جامعه،

تعیین چشم‌انداز و راهبردهای کلان تحول در همه نظام‌های تربیت رسمی،

تقسیم کار و ایجاد همسویی و هماهنگی بین عملکرد همه نهادهای سهیم در انواع تربیت (رسمی و غیر رسمی، عمومی و اختصاصی)،

بررسی و تصویب سیاست‌ها، خط‌مشی‌ها، راهبردهای کلان مربوط به انواع تربیت در سطح ملی در چهار چوب قوانین و سیاست‌های کلان کشور،

بررسی و تایید پیش‌نویس سیاست‌های کلی و قوانین مربوط به نهادهای تربیتی (قبل از تصویب در مراجع ذیربط نظیر مجمع تشخیص مصلحت نظام، شورای عالی انقلاب فرهنگی و مجلس شورای اسلامی)،

بررسی صلاحیت تخصصی وزرای تربیت رسمی و عمومی و تربیت رسمی و اختصاصی و ارائه مشورت به رئیس جمهور در این باره قبل از پیشنهاد به مجلس شورای اسلامی،

نظارت بر عملکرد همه عوامل سهیم در جریان تربیت در سطوح گوناگون از منظر چگونگی اجرای سیاست‌ها و قوانین مصوب و انطباق آن‌ها با مقتضیات نظام معیار اسلامی در قلمرو جریان تربیت،

تعیین معیارها و شاخص‌های ارزیابی از عملکرد نهادهای مختلف تربیت،

ارزشیابی از کارکردهای اختصاصی و مشترک همه نهادهای تربیت بر اساس معیارها و شاخص‌های مصوب.

رسمی و عمومی در سطح ملی)،

- نظارت بر عملکرد شوراهای تربیت رسمی و عمومی در سطح استان و منطقه (که از دیگر مولفه‌های فرا بخشی نظام تربیت رسمی و عمومی محسوب می‌شوند)،
- بازنگری و باز تولید و به روز آمدن اسناد تحول راهبردی نظام تربیت رسمی و عمومی که از سوی دستگاه‌های ذی‌ربط تربیتی تهیه می‌شود،
- جهت دهی به فعالیت عوامل مؤثر در جریان تربیت رسمی و عمومی برای بهره‌گیری از ظرفیت‌های بالفعل و فعلیت بخشیدن به ظرفیت‌های بالقوه آن‌ها برای کمک به تحقق اهداف نظام تربیت رسمی و عمومی ،
- مسئولیت دیده بانی از سازوکارهای بکار گرفته شده از سوی عوامل سهیم و مؤثر از منظر حقوق و تکالیف تربیتی هر یک از آن‌ها در قبال متربیان و پیگیری ایفای این حقوق و تکالیف.

#### ● وزارت تربیت رسمی و عمومی و سازمان‌های وابسته

وزارت تربیت رسمی و عمومی نماینده حاکمیت در نظام تربیت رسمی و عمومی است و براساس سیاست‌ها و راهبردهای تعیین شده از سوی شورای عالی تربیت رسمی و عمومی عمل می‌نماید. مسئولیت اصلی وزارت تربیت رسمی و عمومی، برنامه‌ریزی، پشتیبانی، نظارت و ارزشیابی برای تحقق شایسته جریان تربیت در کلیه دوره تربیت رسمی و عمومی است. لذا عمده‌ترین وظایف آن عبارتند از:

- تدوین برنامه‌های بلند مدت و میان مدت بر اساس انجام مطالعات آینده نگر و راهبردی برای تحقق اهداف تربیت رسمی و عمومی متناسب با هر یک از مراحل تربیت در قالب برنامه‌های توسعه کشور و پاسخگویی به مراجع ذی‌ربط در خصوص میزان تحقق اهداف،
- افزایش مداوم ظرفیت‌های سازمانی در سطوح مختلف برای ایجاد فرصت‌های تربیتی مطلوب و متنوع، متناسب با نیازها و تحولات در سطح ملی و بین‌المللی،
- تقویت سیستم‌های نظارت و ارزیابی برای تضمین کیفیت و تنوع در ارائه خدمات تربیتی در سطوح مختلف،
- برنامه‌ریزی در زمینه جذب، نگهداشت، بکارگیری و رشد مداوم ظرفیت‌های وجودی منابع انسانی نظام تربیت رسمی و عمومی (با توجه به تفاوت‌های فردی) در دستیابی به مراتب حیات طیبه،
- ایجاد ارتباط مؤثر با عوامل سهیم و مؤثر در تربیت رسمی و عمومی و برنامه‌ریزی برای

بهره‌گیری از ظرفیت‌های بالفعل و بالقوه آنان (خصوصاً رکن خانواده) جهت تحقق اهداف سازمانی،

- تمهید مقدمات برای تصویب قوانین و مقررات و آئین نامه‌های لازم جهت ایجاد ساختار و نظام تشکیلاتی منعطف و چابک، باحیطه نظارتی گسترده ورده‌های مدیریتی محدود،
- تلاش برای تأمین و تخصیص عادلانه ومدیریت بهینه منابع مالی لازم جهت تحقق اهداف نظام،
- نظارت بر عملکرد واحدهای استانی/ منطقه‌ای با توجه به حدود اختیارات واگذار شده به آنان از سوی شورای عالی تربیت رسمی و عمومی.

### ● سازمان‌های استانی و ادارات مناطق

سازمان‌های استانی و ادارات مناطق به عنوان یک سازمان متعالی، پویا و چابک مسئولیت اجرای سیاست‌ها و برنامه‌های تعیین شده از سوی شورای عالی تربیت رسمی و عمومی را زیر نظر وزارت تربیت رسمی و عمومی بر عهده خواهند داشت. مشارکت ارکان تربیت در سطح استان و منطقه و نیز هماهنگی با سایر عوامل سهیم و مؤثر از طریق شوراهای استانی، منطقه‌ای تربیت رسمی و عمومی که زیر نظر شورای عالی تربیت رسمی و عمومی قرار دارند صورت می‌گیرد. عمده‌ترین وظایف این سازمان‌ها و ادارات عبارتند از:

- تعیین راهبردها و برنامه‌ریزی عملیاتی در زمینه اجرای مصوبات قانونی متناسب با ظرفیت‌های منطقه‌ای، آمایش سرزمین و با رعایت شاخص‌ها،
- شناسایی ظرفیت‌های بالقوه محیطی- محلی (در سطح استان ومنطقه) و تدوین و تصویب آئین‌نامه‌ها و مقررات برای بهره‌گیری از آنها،
- ایجاد ارتباط با عوامل سهیم و مؤثر در تربیت و برنامه‌ریزی برای بهره‌گیری از ظرفیت‌های بالقوه آنان (خصوصاً رکن خانواده) جهت تحقق اهداف نظام تربیت رسمی و عمومی،
- ایجاد فرصت‌هایی برای رشد ظرفیت‌های وجودی کلیه عوامل سهیم و مؤثر- خصوصاً مربیان- در جریان تربیت برای دستیابی به مراتب حیات طیبه،
- تأمین، تخصیص و توزیع منابع با رعایت اصل عدالت تربیتی،
- نظارت و ارزیابی و اصلاح مداوم برنامه‌های تربیتی در تحقق ظرفیت‌های بالقوه متربیان در سه سطح محصول، برون‌داد و پیامد،
- ایجاد فرصت برای مشارکت موثر نهاد هاو سازمان‌های غیر دولتی در ارائه خدمات تربیتی،



## ● مدرسه صالح

مدرسه صالح به عنوان کانون عمل و جلوه عینی نظام تربیت رسمی و عمومی، فضایی منعطف، پویا، بالنده و همدمند است که می‌تواند زمینه کسب شایستگی‌های لازم را در متربیان برای درک و اصلاح مداوم موقعیت بر اساس نظام معیاراسلامی فراهم می‌کند. مدرسه صالح به عنوان سازمان یادگیرنده با ایجاد فضایی تعاملی میان مربیان و متربیان<sup>۱</sup> (با سطوح خبرگی متفاوت) امکان ترکیب و بهم پیوستن تجربیات برای شناخت نقاط هستی بخش و هستی زدا و راه‌های مواجهه با آن را متناسب با تفاوت‌های فردی متربیان تدارک بیند.

سامان‌دهی مداوم زمینه‌های تربیتی در فضای مدرسه صالح، در گرو تغییرات هویتی<sup>۲</sup> کلیه عوامل تربیت<sup>۳</sup> (اعم از معلم، مدیر و همه عواملی است که به نوعی با متربیان سروکار دارند) و ارتقاء پیوسته مراتب وجودی آنان و نیز سامان‌دهی مداوم روابط و ساختارها و شکل‌گیری فرهنگ سازمانی مدرسه صالح بر اساس نظام معیاراسلامی است. در چنین فضایی برنامه‌ها در عین سازمان یافتگی مملو از فرصت‌های گزینش، ترجیح و انتخاب آزادانه و آگاهانه بوده، به گونه‌ای که هر یک

۱ مربیان: مجموعه‌ای از افراد نسبتاً رشد یافته، دلسوز و خیرخواهی که به لحاظ کسب شایستگی‌های فردی و جمعی و تحقق مراتب قابل توجهی از حیات طیبه در وجود خویش، مسئولیت سنگین کمک به هدایت دیگران و زمینه سازی برای رشد و تحول وجودی افراد دیگر را در راستای شکل‌گیری و پیشرفت مداوم جامعه صالح بر عهده گرفته اند.

متربیان: افرادی که به مثابه مخاطبان اصلی فرآیند دوسویه تربیت، دارای استعداد و توانایی بالقوه برای حرکت آگاهانه و اختیاری به سوی مراتب کمال بوده ولی در حال حاضر فاقد شایستگی‌های لازم جهت درک و بهبود موقعیت خود و دیگران می‌باشند و لذا نیازمند راهنمایی و مساعدت دیگران در این زمینه در راستای تکوین و تعالی پیوسته هویت خویش هستند.

۲ - هویت به‌طور کلی برآیند تعامل اختیاری آدمی با مجموعه‌ای از عوامل و موانع مؤثر بر وجود اوست که در قالب ترکیبی از بینش‌ها، باورها، گرایش‌ها، تصمیمات، اعمال مداوم (فردی و جمعی) و آثار تدریجی آن‌ها به تدریج در درون خود فرد شکل گرفته و به همین منوال متحول می‌گردد. از این رو در نتیجه هویت متمایز هر انسان در نهایت محصول اکتساب برخی صفات و توانمندی‌ها و مهارت‌ها، توسط خود او است و از این‌رو، نه تنها امری ثابت و از پیش تعیین شده نیست، بلکه حاصل تلاش و توفیق شخص - در پرتو اراده و عنایات الهی و البته تا حدودی متأثر از شرایط حاکم بر زندگی فرد- است.

۳ - با اینکه براساس ربوبیت الهی و با مشیت و تقدیر رب العالمین، در جریان تکوین هویت آدمی و هرگونه تحول در آن، اراده و عمل اختیاری هر فرد نقش اصلی را برعهده دارد، ولی از آنجا که عوامل پیدا و پنهان بسیاری نیز در این روند - بطور آگاهانه و عمدی یا به صورت تکوینی (غیر عمدی و حتی ناآگاهانه) - با اذن الهی تأثیرگذار هستند؛ لذا در این زمینه، با توجه به تعلیم دینی و با پیروی از سیره مربیان الهی و بر اساس سنت الهی لزوم تکیه بر اسباب و علل، نمی‌توانیم از تمهید عامدانه شرایط اجتماعی مناسب برای کمک به حرکت آگاهانه و اختیاری دیگران به سوی کمال (یعنی قرب الی الله و تحقق مراتب حیات طیبه در همه‌ی ابعاد) غافل شویم، بنا براین باید، جمعی از افراد نسبتاً رشد یافته هر جامعه، زمینه‌های اجتماعی و همدمند هدایت افراد جامعه خود را با ایجاد مقتضیات و رفع موانع تکوین و تعالی پیوسته‌ی هویت ایشان در راستای شکل‌گیری جامعه‌ای صالح براساس نظام معیار دینی فراهم آورند تا ایشان با کسب شایستگی‌های فردی و جمعی لازم جهت درک موقعیت خود و دیگران و اصلاح مداوم آن بر این اساس، آماده‌ی تحقق آگاهانه و اختیاری مراتب حیات طیبه در همه‌ی ابعاد شوند. هر چند هرگونه توفیق در این مسیر، از سویی منوط به انتخاب و اراده خود فرد و از دیگر سو در گرو اراده و مشیت الهی و در حقیقت وابسته به امداد و تایید حضرت حق و لطف و عنایت ربوبی او به منزله مربی حقیقی آدمیان است؛ چنانچه قرآن کریم می‌فرماید: «انک لاتهدی من احببت و لکن الله یتهدی من یشاء» قصص/۵۶.



از متربیان بر اساس استعدادها و توانایی‌های خویش، از فرصت‌های متنوع تربیتی برای درک و اصلاح مداوم موقعیت خود براساس نظام معیاراسلامی برخوردار خواهند شد.

برنامه‌ریزی و تدارک فرصت‌های تربیتی با رعایت ویژگی هر یک از مراحل تربیت رسمی و عمومی و با مشارکت ارکان تربیت صورت می‌گیرد. مشارکت مستقیم خانواده (یا از طریق نمایندگان رسمی آنان) در برنامه‌ریزی و اداره امور مدرسه صالح با هدف هماهنگی و همسویی روشها و اهداف تربیت ضروری است.

خانواده می‌تواند همسو با اهداف تربیت در هر یک از مراحل و تحت نظارت مدرسه (یا با هماهنگی مدرسه) نسبت به غنی‌سازی برنامه‌ها و تدارک فرصت‌های متنوع تربیتی در داخل یا خارج از ساعات رسمی اقدام نماید. علاوه بر خانواده می‌توان از مشارکت جامعه محلی یا فرصت‌ها و امکاناتی که از سوی دیگر نهادهای اجتماعی و مؤسسات مدنی تدارک دیده می‌شود جهت غنی‌سازی فرصت‌های تربیتی برای پاسخگویی به ظرفیت‌های وجودی متنوع متربیان استفاده نمود.

عموم مدارس در صورت امکان توسط هیأت امنای اداره می‌شوند. مسئولیت پشتیبانی همه جانبه از اداره شایسته مدرسه، و سازماندهی منابع (اعم از انسانی، مالی، مادی) برای پاسخگویی به نیازهای متربیان بر عهده هیأت امنای مدرسه است. شایسته است هر مدرسه دارای شورای علمی مستقلی باشد که زیر نظر هیأت امنای وظیفه ارزیابی عملکرد معلمان و سایر کارکنان و به روز رسانی شایستگی‌های عمومی و حرفه‌ای آنان را بر عهده خواهد داشت. پیشنهاد انتخاب مدیر از سوی هیأت امنای می‌باشد که با نظر و مشورت شورای علمی مدرسه صورت می‌گیرد. البته مدارس در قبال ادارات مناطق برای حفظ استانداردهای نظام تربیت رسمی و عمومی و نیز انواع شوراها (در درون مدرسه) پاسخگو می‌باشند. نظارت بر عملکرد مدارس و ارزیابی کیفیت برنامه‌ها و فعالیت‌ها بطور سالیانه بر عهده مراجع ذیربط خواهد بود.

سامان‌دهی مداوم و متنوع فرصت‌های تربیتی در مدرسه صالح در چهارچوب اصول و مقررات مصوب با لحاظ نمودن موارد زیر صورت می‌گیرد:

- تنوع در زمان: زمان ورود و پایان، زمان ارائه برنامه (زمان رسمی و غیر رسمی) و سرعت متفاوت،
- تنوع در محیط تربیتی: مدرسه، خانه، مسجد، مراکز فرهنگی، علمی و پژوهشی، مراکز شغلی، صنعتی،
- تنوع در طراحی انواع برنامه‌های درسی: برنامه‌های غنی سازی، آموزش‌های خاص، گروه‌بندی‌های منعطف در درون سطح، پایه، یا کلاس، تنوع در روش و نحوه اجرای

برنامه‌های درسی: گروه کلاسی، سطح مدرسه، گروه‌های کوچک، پژوهش فردی و گروهی، کارآموزی، کارورزی، و مربی‌گری در محیط واقعی، مجازی و الکترونیکی. تجلیات سازمانی مدرسه صالح عبارت است از:

- جلوه‌ای از تحقق مراتب حیات طیبه<sup>۱</sup> و نمونه‌ای آشکار از جامعه صالح اسلامی،
- نقطه اتکای دولت و ملت در رشد و تعالی و پیشرفت کشور و کانون تربیتی محله،
- برخورداری از یک چشم‌انداز آرمانی اختصاصی در راستای دستیابی به مراتب حیات طیبه و همسو با چشم‌انداز نظام تربیت رسمی عمومی،
- عشق به تربیت و جدی انگاشتن آن در تمامی فعالیت‌ها و شئون مدرسه،
- مقابله با یاس و نومیدی و حمایت از نوآوری و نواندیشی در راستای شکل‌گیری ظرفیت تصمیم‌سازی در نظام تربیت رسمی و عمومی،
- برخورداری از روح علمی و پژوهشی<sup>۲</sup> در یکایک افراد و در درون گروه برای درک و اصلاح مداوم موقعیت خود و کمک به متریبان در دستیابی ظرفیت‌های جدید،
- رواج روحیه خلاقیت و نوآوری برای نیل به مراتب حیات طیبه،
- حاکمیت مناسبات اخلاقی و اعتقادی، رابطه احسان و عدالت، فضایی باز و منعطف، ارتباط متقابل سازنده مبتنی بر مشارکت فعال مشارکت‌کنندگان،
- تقویت‌کننده شایستگی‌های پایه مورد نیاز برای حضور فعال، بانشاط و اثربخش متریبان در زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی،
- درک و اصلاح مداوم عملکرد مدرسه صالح در پرتو تمرکز بر برآیند رویدادها و روندها به

۱ - در تحقق حیات طیبه به مثابه امری ذومراتب و دارای ابعاد فردی و جمعی که در طول زندگی انسان در دنیا صورت می‌پذیرد، نیاز آدمی به راهنمایی و هدایت دین حق نه تنها در شناسایی و ترسیم هدف و مقصد، بلکه در تعیین معیارها و ضوابط مشخص و داشتن اسوه‌های برحق و قابل پیروی است که تبعیت از آن‌ها وصول این حرکت پیچیده و دشوار به مقصدرا تضمین نماید؛ لذا در راستای تمهید مهمترین مقدمه تحقق حیات طیبه یعنی فرآیند آماده‌سازی افراد جامعه برای تحقق مراتب حیات طیبه، علاوه بر اینکه نیاز مند تکیه برنظام معیار ربوبی مبتنی بر دین حق هستیم - که در این خصوص تعلیم دینی اسلام و معارف مبتنی بر این تعلیم (در چهارچوب سازوکار اجتهاد) نقش اصلی را برعهده دارند- لازم است پذیرش ولایت پیامبر(ص) و پیشوایان معصوم(س) و تأسی به سیره ایشان در همه ابعاد زندگی را - به منزله برترین مصادیق انسان کامل و والاترین مربیان حقیقی و همیشگی انسان- مهم‌ترین راهکار بدانیم.

۲ - مفهوم علم در اسلام، بسی گسترده تر از مفهوم محدود و مصطلح از واژه علم (Science) در دنیای معاصر است که تنها بر دانش‌های تجربی و آن هم معمولاً بر معارف و معلومات مفید برای اصلاح زندگی دنیایی انسان اطلاق می‌شود، هر چند بدون شک گستره این مفهوم ارزشمند در فرهنگ اسلامی شامل تمام دانش‌های تجربی و انسانی کاشف از واقعیات و حقائق هستی و نیز علوم کاربردی مفید در شناخت و حل مسائل پیچیده زندگی انسان معاصر می‌باشد. بنابراین مفهوم گسترده، در مقام ارزش‌گذاری به علم و عالم هم باید انواع علوم تجربی و نقش غیرقابل انکار آن‌ها در کشف واقعیات عالم و شناخت و حل مشکلات زندگی بشر همچنان مورد عنایت باشد و هم لازم است انواع معارف معتبر عقلی و نقلی (اعم از فلسفه و علوم دینی و سایر علوم انسانی) با توجه به نقش برجسته آن‌ها در شناخت و هدایت واقعیات و حقائق مورد نیاز انسان، با عنوان «علم» شناخته شده و مورد تقدیر قرار گیرند.

جای رخدادهای موردی (اعم از پیش رونده یا پس رونده).

عمده‌ترین وظایف مدرسه صالح عبارتند از:

- برنامه‌ریزی و تعیین چشم انداز مطلوب در زمینه ایجاد فرصت‌های متنوع و پویا برای یکایک متربیان در درک و اصلاح موقعیت خویش با توجه به اهداف تربیت رسمی و عمومی و مقتضیات بومی و محلی،
- شناسایی ظرفیت‌های بالقوه خانواده و جامعه محلی در تدارک فرصت‌های تربیتی و بهره‌گیری از آن،
- ایجاد فرصت‌هایی برای هماهنگی، مشارکت متربیان در درک و بهبود موقعیت خود و متربیان در جریان تربیت برای دستیابی به مراتب حیات طیبه،
- تأمین منابع با رعایت اصل عدالت تربیتی / نظارت و ارزیابی و اصلاح مداوم برنامه‌ها در تحقق ظرفیت‌های بالقوه متربیان در سه سطح محصول، برون‌داد و پیامد،
- ایجاد فرصت‌هایی برای مشارکت نهادهای مردمی در ارائه خدمات متنوع و با کیفیت در جهت تحقق اهداف تربیت رسمی و عمومی،
- مشارکت در فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی در سطوح مختلف به منظور ارتقاء سطح عملکرد مدرسه و جامعه در راستای اهداف تربیت رسمی و عمومی،
- ارزیابی مداوم عملکرد خود با توجه به تحولات حوزه تربیت در سطح ملی و بی‌المللی و برنامه‌ریزی برای ارتقاء سطح عملکرد خود،
- مشارکت با سایر عوامل سهیم و مؤثر در جریان تربیت برای تحقق اهداف در سطح جامعه محلی و ملی،
- مشارکت در اجرای پروژه‌های علمی - پژوهشی در تولید علم و اجرای طرح‌های پژوهشی با مشارکت عوامل تربیت در سطح،
- تدارک فرصت‌های تربیتی غنی با بهره‌گیری از فرهنگ و تمدن اسلامی و ایرانی و ادب فارسی برای کمک به تقویت ارزش‌های اصیل اخلاقی،
- ایجاد فضایی هدفمند از تجربیات و اشکال واقعی حیات طیبه با تدارک مجموعه‌ای از موقعیت‌ها، فرصت حرکت رشدیابنده و تعالی‌بخش برای متربیان؛ به این معنی که تجربیات مدرسه‌ای باید شکل ساده شده (و نه پیچیده)‌ای از تجربه حیات طیبه باشد.
- تدارک فضای تربیتی که در آن نه تنها موانع و محدودیت‌های تربیت از میان برداشته شود،



بلکه زمینه‌های بروز برخی از محدودیت‌هایی که به صورت بالفعل در سنین مدرسه‌های در انسان حضور دارد و در شرایط خاصی آشکار می‌گردد را با اتخاذ راهکارهای تربیتی به بستری برای رشد ارزش‌های اخلاقی و توانایی‌های فردی تبدیل نماید،

- لحاظ نمودن شایستگی‌های ضروری در برنامه درسی برای تشکیل خانواده صالح که زمینه استحکام بنیان خانواده را فراهم می‌آورد،
- با توجه به نقش محوری مربی در کسب شایستگی‌ها و اصلاح موقعیت، مدرسه باید زمینه‌ی خودارزیابی مداوم مربیان را فراهم آورد و ملاک‌های ارزیابی از انعطاف لازم برای پاسخگویی به شرایط و نیازهای متنوع مربیان برخوردار باشد.

### ● انجمن‌های علمی - حرفه‌ای و تشکلهای مردم نهاد (دارای عملکرد تربیتی)

این انجمن‌ها و تشکلهای از مصادیق نهادهای سازمان‌های غیردولتی (به عنوان یکی از ارکان نظام تربیت رسمی و عمومی) محسوب می‌شوند که در تعامل با سه رکن دیگر یعنی حاکمیت و خانواده و رسانه در تحقق رسالت و کارکردهای نظام تربیت رسمی و عمومی نقش برجسته‌ای را به عهده دارند. قلمرو عملکرد این انجمن‌ها کمک به تصمیم‌سازی، مشارکت در اتخاذ تصمیمات، اجرای سیاست‌ها و برنامه‌ها و نظارت بر اجرای تصمیمات، قوانین و مقررات در سطح ملی و محلی برای تحقق اهداف تربیت است.

. وظایف آن‌ها می‌تواند به شرح زیر باشد:

- مشارکت در تهیه و اجرای برنامه‌ها در راستای ارتقاء صلاحیت‌های حرفه‌ای مربیان درک و اصلاح موقعیت یکا یک مربیان در دستیابی به مراتب حیات طیبه،
- مشارکت در نظریه پردازی، تبیین بنیان‌های نظری در حوزه علوم تربیتی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی و متناسب با اقتضائات بومی،
- مشارکت سازنده با مراکز علمی و پژوهشی که به نوع شریک یا سهیم در جریان تربیت می‌باشند، در سطح ملی، منطقه‌ای و جهانی،
- ارزیابی مداوم عملکرد خود و دیگر مولفه‌های نظام تربیت رسمی و عمومی برای پذیرش مسئولیت بیشتر و ایفای نقش مؤثر تر در جریان تربیت،
- برگزاری نشست‌های علمی - تربیتی به منظور ارتقاء سطح خدمات تربیتی ارائه شده به خانواده‌ها، مربیان، مربیان و کارکنان (نظام تربیت رسمی و عمومی) و بالا بردن سطح انتظار جامعه در ارائه این خدمات،
- مشارکت در تولید و اعتبار بخشی تجربیات تربیتی بومی (متناسب با اهداف و جهت‌گیری‌های

- فلسفه تربیت) و مبادله این تجارب موفق در سطح ملی، منطقه‌ای و جهانی
- مشارکت در ارزیابی عملکرد نظام تربیت رسمی و عمومی در سطح ملی و محلی.

### ● **مؤسسات ارائه کننده خدمات تربیتی جانبی و مکمل (تحت نظارت نظام تربیت رسمی و عمومی)**

این مؤسسات شامل همه مراکز علمی- تربیتی است که به عنوان مصداقی از نهادهای اجتماعی نسبت به ارائه خدمات جانبی و تکمیلی (همسو با آرمان و اهداف فلسفه تربیت رسمی و عمومی در دستیابی متریبان به مراتب حیات طیبه) مرتبط با بخش‌های سه گانه برنامه درسی تجویزی (الزامی)، نیمه تجویزی (انتخابی) غیر تجویزی (اختیاری)، تحت نظارت نظام تربیت رسمی و عمومی و در راستای اهداف و سیاست‌های این نظام در اشکال متنوع آن در سطح جامعه اقدام می‌نمایند. اهم وظایف این مؤسسات به شرح زیر می باشد:

- ایجاد روحیه علمی و پژوهشی برای درک و اصلاح مداوم موقعیت سازمانی جهت ارائه خدمات تربیتی به جامعه،
- ارزیابی از عملکرد بر اساس نیازهای حال و آینده جامعه و ایجاد فضایی باز و منعطف برای مشارکت سایر عوامل سهیم و مؤثر در جریان تربیت ،
- تولید منابع و ارائه خدمات تربیتی به خانواده‌ها و مدارس و مربیان برای تنوع بخشیدن به فرصت‌های تربیتی ،
- مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی در سطوح مختلف به منظور ارتقاء سطح عملکرد مدرسه و جامعه در راستای اهداف تربیت رسمی و عمومی،
- برنامه‌ریزی برای درک و اصلاح مداوم موقعیت توسط یکا یکا متریبان در جهت تحقق مراتب حیات طیبه ،
- مشارکت سازنده با مراکز علمی و پژوهشی که به نوع شریک یا سهیم در جریان تربیت می‌باشند، (در سطح ملی، منطقه‌ای و جهانی)،
- ارزیابی مداوم عملکرد سازمانی مولفه‌ها و زیرنظام‌ها و مؤسسات وابسته در نظام تربیت رسمی و عمومی برای پذیرش مسئولیت بیشتر و ایفای نقش مؤثر تر در جریان تربیت رسمی و عمومی ،
- مشارکت در برگزاری نشست‌های علمی- تربیتی و مستندسازی تجربه‌های تربیتی و مبادله آن در سطح ملی، منطقه‌ای و جهانی .

## مؤسسات، شرکت‌ها و اشخاص حقیقی ارائه‌دهنده خدمات پشتیبانی

مؤسسات، شرکت‌ها و اشخاص حقیقی ارائه‌دهنده خدمات پشتیبانی به عنوان مصداق دیگری از نهادها و سازمان‌های غیر دولتی هستند که خدمات تربیتی مورد نیاز بخش‌های مختلف نظام تربیت رسمی و عمومی، مدارس، مؤسسات تربیتی (تحت نظارت) و سایر مراکز و نهادهای علمی را در زمینه فضا، امکانات، تجهیزات و منابع ارائه می‌نمایند.

عمده‌ترین وظایف این مؤسسات به شرح زیر است:

- مشارکت سازنده با کلیه عوامل سهیم در جریان تربیت در زمینه ساخت و اداره شایسته فضاهای تربیتی مورد نیاز (پارک‌های علمی، کتابخانه‌ها، مراکز یادگیری انواع مهارت‌های زندگی، اردو گاه‌ها، مراکز تفریحی، و...) و تجهیز آنها،
- مطالعه و بررسی نیازهای خاص تربیتی متریان (گروه‌های با نیازهای ویژه) در سطوح ملی، محلی و مدرسه‌ای و برنامه‌ریزی برای پاسخگویی به این نیازها (مطابق با استانداردهای تربیتی در سطح ملی و بین‌المللی)،
- تولید بسته‌های آموزشی، نرم‌افزارها، کتاب‌های درسی، نشریات و مواد کمک آموزشی، تجهیزات علمی و آزمایشگاهی و سایر منابع متناسب با نیازهای مربیان و متریان در دوره‌های مختلف تربیت (همسو با تجربیات علمی در سطح ملی، منطقه‌ای و جهانی)
- تولید منابع و تجهیزات آموزشی برای کمک به خانواده‌ها در تنوع بخشیدن به فرصت‌های تربیتی قبل و بعد از ورود متریان به نظام تربیت رسمی و عمومی (با مشارکت سایر نهادهای سهیم)،
- مشارکت سازنده با مراکز علمی و پژوهشی که منجر به ارتقاء سطح خدمات این سازمان‌ها می‌شود.

## ● حوزه‌های علمیه

- شناسایی ابعاد و مولفه‌های گوناگون نظام معیار اسلامی، متناسب با مقتضیات و شرایط نظام تربیت رسمی و عمومی و یافتن راهکارهایی برای حل مسائل این نظام، براین اساس:
- کمک به ایجاد کرسی‌های نظریه پردازی برای ارائه نظریات جدید در حوزه علوم تربیتی با رویکرد اسلامی و در ابعاد مختلف نظام تربیت رسمی و عمومی،
- کمک به شناسایی موانع و محدودیت‌های نظام تربیت رسمی و عمومی و ارائه راهبردها و راه‌کارهای اجرایی مبتنی بر معارف اسلامی،
- اجرای پژوهش‌های بنیادی در راستای اهداف نظام تربیت رسمی و عمومی برای شناسایی

- راهکارهای جدید تربیتی و ارتقاء فرصت‌های تربیتی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی،
- مشارکت در برنامه‌ریزی و تدوین برنامه‌های درسی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی بویژه در حوزه علوم انسانی،
- برگزاری نشست‌های تخصصی در زمینه مسائل و مشکلات نظام تربیت رسمی و عمومی برای ارائه راهکارها به ویژه در قلمرو تربیت اعتقادی عبادی و اخلاقی،
- مشارکت در تولید و اعتبار بخشی تجربیات تربیتی بومی (متناسب با اهداف و جهت گیری‌های فلسفه تربیت) و مبادله این تجارب موفق در سطح ملی، منطقه‌ای و جهانی،
- مشارکت در سیاست‌گذاری، و نظارت بر اجرای طرح‌هایی که برای ارتقاء سطح عملکرد نظام تربیت رسمی و عمومی تهیه می‌شود،
- مشارکت در تربیت و توانمندسازی منابع انسانی نظام تربیت رسمی و عمومی به ویژه در حوزه علوم انسانی.

#### ● دانشگاه‌ها، و مراکز تربیت مربی و ارتقاء و ارزیابی مستمر منابع انسانی

- طراحی و اجرای برنامه‌های مکمل در جهت همسویی فعالیت‌های نظام تربیت رسمی و تخصصی با سایر اشکال تربیت در راستای دستیابی مربیان به مراتب بالاتری از حیات طیبه،
- تدوین و اجرای برنامه‌های درسی برای دستیابی مربیان به مراتب حیات طیبه و ایجاد یکپارچگی در ابعاد مختلف وجودی آنان را جهت ایفای نقش تربیتی، حمایتی، مشاوره‌ای نسبت به متریبان،
- اختصاص بخشی از ظرفیت نظام تربیت رسمی و تأمین و تخصیص منابع مالی و مادی مورد نیاز برای تربیت نیروهای واجد شرایط جهت اشتغال در پست‌های مختلف مورد نیاز نظام تربیت رسمی و عمومی،
- ایجاد و تجهیز مراکزی به منظور به روز نگه‌داشتن منابع انسانی در سطح استان‌ها و مناطق و ایجاد فرصت‌های برای بحث و تبادل نظر در خصوص یافته‌های معلمان، مدیران و سایر عوامل سهیم در جریان تربیت رسمی و عمومی برای شناسایی راهکارهایی جهت کمک به متریبان در دستیابی به مراتب حیات طیبه،
- کمک به رشد حرفه‌ای منابع انسانی نظام تربیت رسمی (اعم از عمومی و تخصصی) به منظور ارتقاء مداوم ظرفیت وجودی اساتید دانشگاه‌ها و مراکز تربیت معلم و ایجاد یکپارچگی میان فعالیت‌های نظام تربیت رسمی (اعم از عمومی و تخصصی)،
- مشارکت در تدوین شاخص‌های صلاحیت حرفه‌ای مربیان و ارزیابی از ایشان بر اساس